

تأثیرات سیاسی نظریه برخورد تمدن‌ها بر واگرایی جهان اسلام^۱

محمدعلی میرعلی^۲

محمد مهدی صادقی^۳

چکیده

نظریه برخورد تمدن‌ها را هانتینگتون پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، در پایان دوران جنگ سرد مطرح کرد. این نظریه هم‌زمان با ظهور چالشی جدید در سیاست خارجی آمریکا مطرح شد تا خلأ ایدئولوژیک موجود در جهان غرب را پر کند. هانتینگتون تمدن‌های اسلام و سینیک را مهم‌ترین رقیب‌های تمدن غرب دانسته و معتقد است در این میان تمدن اسلام بیش از همه، موجودیت غرب را به خطر انداخته است. مؤلفان این تحقیق با روش تحلیلی و اسنادی به دنبال واکاوی تأثیرات سیاسی نظریه برخورد تمدن‌ها بر واگرایی جهان اسلام و راهکارهای مقابله با آن هستند. مهم‌ترین تأثیرات این نظریه بر واگرایی جهان اسلام، اسلام‌هراسی، وابستگی سیاسی جهان اسلام به غرب، ایجاد اختلاف بین مسلمین، و ایجاد تنش سیاسی در جهان اسلام بوده است که به بلوک‌بندی جدید سیاسی، تقابل‌سازی بین کشورهای اسلامی، و رواج تروریسم و جنگ‌های نیابتی در کانون کشورهای اسلامی منجر شده است. راه‌حل برون‌رفت از این وضعیت، هم‌گرایی سیاسی در جهان اسلام، پرهیز کشورهای اسلامی از اختلاف سیاسی، و حرکت به سمت تأسیس اتحادیه کشورهای اسلامی است.

واژه‌های کلیدی: تمدن، هانتینگتون، نظریه برخورد تمدن‌ها، واگرایی، جهان اسلام.

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۱۹

۱- تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۲۷

۲. دانشیار علوم سیاسی جامعه المصطفی العالمیه؛ alimir124@gmail.com

۳. فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد علوم سیاسی جامعه المصطفی العالمیه؛ sada_sarab@yahoo.com

۱- مقدمه

سیاست خارجی آمریکا پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی با چالش مواجه شد. هانتینگتون به دنبال یافتن راه‌حل جدید برای مقابله با این چالش بود. او نظریه برخورد تمدن‌ها را مطرح کرد. اهمیت این نظریه، در جنبه‌های کاربردی و اجرایی آن است. تمدن غرب با فعالیت فرهنگی، زمینه حضور نظامی خود را در قلب تمدن اسلام فراهم کرده است. غرب با حضور نظامی در جهان اسلام و سیطره بر مناطق مهم و استراتژیک خاورمیانه، تحولات داخلی جهان اسلام را مدیریت، و کشورهای مخالف را با فشارهای نظامی، اقتصادی و سیاسی، وادار به عقب‌نشینی می‌کند.

هدف نظریه برخورد تمدن‌ها، سلطه سیاسی و استعمار نوین است. زمانی که استعمار به شکل گذشته امکان ندارد، روش‌های جدید آزمایش می‌شود. نظریه برخورد تمدن‌ها در حوزه‌های مختلف تأثیر گذاشته و روابط جهان اسلام را به سمت واگرایی و تنش کشانده است. مؤلفان این تحقیق به دنبال بررسی تأثیر سیاسی نظریه برخورد تمدن‌ها بر واگرایی جهان اسلام هستند.

۲- تبیین سیاسی نظریه برخورد تمدن‌ها

تمدن غرب، متأثر از نظریه برخورد تمدن‌ها در حوزه‌های مختلف و با برنامه‌ریزی دقیق، به جنگ تمدن اسلامی آمده است. این نظریه با کارشناسی دقیق طراحی شده و طراح آن، سال‌ها در زمره نظریه‌پردازان تراز اول حکومتی آمریکا بوده است. این نظریه، آگاهانه به هدایت و جهت‌دهی سیاست خارجی کشورهای غربی، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، با عنوان تمدن غرب مبادرت کرده و جنبه‌های فرهنگی و نظامی این نظریه برای رسیدن به خواسته‌های سیاسی، در نظر گرفته شده است. هدف این نظریه، بررسی سلطه سیاسی تمدن غربی بر تمدن اسلامی است. بنابراین واگرایی جهان اسلام در دستور کار سیاست خارجی کشورهای غربی قرار گرفته است که در نتیجه، سلطه سیاسی تمدن غرب بر جهان اسلام را به دنبال دارد.

پیش از طرح نظریه برخورد تمدن‌ها در مجامع آکادمیک جهان، رژیم اسرائیل با فشار زیادی روبه‌رو بود. افکار عمومی جهان، انزجار و نفرت خود را از جنایات این رژیم، ابراز می‌کردند. هانتینگتون با طراحی این نظریه، به دنبال کم‌رنگ کردن جنایات‌های رژیم غاصب صهیونیستی است. پیش از طرح نظریه برخورد تمدن‌ها، کشورهای اسلامی در تقابل مستقیم

نظامی با کشورهای غربی قرار نداشتند. هانتینگتون با این نظریه، تمدن غرب را به صورت مستقیم وارد میدان نبرد کرد و از این رهگذر، رژیم صهیونیستی با خیال راحت، به حیات خود ادامه می‌دهد. از سوی دیگر مسلمان‌ها به جای مبارزه با رژیم صهیونیستی، چنان به جنگ داخلی مشغول شده‌اند که مسئله فلسطین و جنایت‌های رژیم اشغالگر، فراموش شده است. در نتیجه هر روز واگرایی در جهان اسلام تشدید می‌شود.

هانتینگتون طی این نظریه به غرب هشدار می‌دهد که اسلام مهم‌ترین منبع مخاطره‌آمیز برای غرب به شمار می‌رود و تنها تمدنی است که بقای تمدن غرب را تهدید می‌کند (هانتینگتون، ۱۳۸۱: ۵۷؛ همو، ۱۳۸۰: ۱۷۸). وی معتقد است پیوند اسلامی - کنفوسیوسی برای مقابله با غرب در حال شکل‌گیری است (همو، ۱۳۸۱: ۷۳-۷۴). او در رویکردی تطبیقی، رشد جمعیت را در غرب با دنیای خارج از آن مقایسه، و کاهش جمعیت غرب را تهدیدی برای این تمدن معرفی می‌کند (همو، ۱۳۸۰: ۷۸-۷۹).

او در حالی اسلام را خطر بالفعل و بالقوه برای غرب توصیف می‌کند که کشورهای اسلامی، فقط در فضای رقابت‌آمیز منطقه‌ای قرار دارند. همچنین حکومت‌های اسلامی عمدتاً در بلوک غرب هستند و ماهیتی سکولاریستی دارند و فاقد قدرت سیاسی تهدیدکننده برای غرب هستند. برخی دیگر از کشورها نیز که غیردموکراتیک‌اند، شریک تجاری و استراتژیک به شمار می‌آیند. فعالیت جنبش‌های اسلامی موجود نیز در چارچوب منافع ملی و منطقه‌ای است. علاوه بر این، این جنبش‌ها آن قدر قدرتمند نیستند که کشورهای غربی را تهدید کنند، بلکه بالعکس مسلمان‌ها از غرب و به‌ویژه آمریکا انتظار دارند در مسائل حقوق بشری دخالت کنند؛ چنان‌که در جنگ بوسنی، مسلمان‌ها از آمریکا و غرب به دلیل دخالت نکردن در این بحران انتقاد کردند؛ زیرا به اعتراف خود هانتینگتون نقض حقوق بشر صورت گرفته بود (همو، ۱۳۸۱: ۶۵). بنابراین پیش از طرح نظریه برخورد تمدن‌ها، مسلمان‌ها نیز ارزش‌های دموکراسی و حقوق بشری غرب را، هرچند به اجبار، پذیرفته بودند و از آمریکا و غرب انتظار حمایت از اجرای حقوق بشر و دخالت در موارد نقض حقوق بشر را داشتند. این انتظار، در سیطره ارزش‌های غرب در جهان اسلام در دوره قبل از طرح این نظریه ریشه دارد. به گفته هشام شرابی، ارزش‌های غربی در جهان اسلام از مدت‌ها قبل از طرح نظریه برخورد تمدن‌ها، حتی قبل از دوران جنگ سرد اجرا می‌شد؛ زیرا بیش از نود درصد رهبران جنبش ناسیونالیسم عربی از بومیان فارغ‌التحصیل دانشگاه آمریکایی بیروت بودند (شرابی، ۱۳۶۸: ۶۴). این رهبران، ارزش‌های غربی را باور داشتند و آن‌ها را در جوامع اسلامی اجرا می‌کردند و برتری غرب و آمریکا را نیز در تحولات جهان پذیرفته بودند. بدین ترتیب روشن خواهد شد

که تنها هدف هانتینگتون در طرح این نظریه، ایجاد واگرایی در جهان اسلام و منزوی ساختن بین‌المللی آن از طریق ترویج تروریسم و اسلام‌ستیزی بوده است.

۳- اهداف سیاسی نظریه برخورد تمدن‌ها

پس از جنگ سرد و کم‌رنگ شدن سلطه غرب بر جهان، نظریه‌پردازان غربی به تکاپو افتادند تا این بحران استراتژیک را حل کنند. آن‌ها به دنبال طرح نظریه‌ای بودند که به جای نظریه جنگ سرد عمل کند. هانتینگتون با طرح نظریه برخورد تمدن‌ها، از یک طرف درصدد زنده کردن استعمار و سلطه غرب بر جهان برآمد و از طرف دیگر با این نظریه، کوشید توجه جهان را از جنایت‌های یهودیان در فلسطین منحرف کند. بنابراین محور اصلی این نظریه، سیطره تمدن غرب بر جهان اسلام و تمدن اسلامی است. تأمین امنیت و تضمین حیات اسرائیل نیز از اهداف دیگری است که در همین راستا در این نظریه در نظر گرفته شده است. اهداف سیاسی نظریه برخورد تمدن‌ها در این موارد منحصر نیست، اما به‌یقین موارد ذیل از مهم‌ترین این اهداف در روابط جهان اسلام و غرب به شمار می‌رود.

۱-۳) سیطره تمدن غرب بر تمدن اسلامی

هدف اصلی و محوری این نظریه، سلطه تمدن غرب بر تمدن اسلامی است. این نظریه به دنبال زنده کردن استعمار به شکل نوین است. تمدن غرب از گذشته به دنبال استیلا بر جهان بوده است. استعمار، نمونه بارز این مسئله است. با رشد اسلام در جهان و به‌ویژه در کشورهای غربی، نشانه‌هایی از پایان سلطه غرب بر جهان مشاهده می‌شود و پایان فرهنگ لیبرال دموکراسی را نوید می‌داد. هانتینگتون با توجه جدی به این دو مسئله، آن‌ها را نشانه‌های پایان تمدن غرب دانست. او از یک طرف خطر اسلام را برجسته می‌کند و آن را تهدیدکننده بقای تمدن غرب می‌داند و از طرف دیگر منابع جهان اسلام را مهم و حیاتی می‌شمارد. نفت، یکی از منابع مهم جهان اسلام است که هانتینگتون آن را قدرت بالقوه می‌داند و بسیار مانور می‌دهد تا تمدن غرب به رهبری آمریکا، در جهان اسلام دخالت مستقیم کند (هانتینگتون، ۱۳۸۱: ۵۷).

در این نظریه بعد فرهنگی برجسته شده است و نظریه‌پرداز نیز از خاکریزهای فرهنگی یاد می‌کند؛ اما روح این نظریه و هدف نهایی آن، احیای سلطه غرب بر جهان، به‌ویژه جهان اسلام است.

۲-۳) تأمین امنیت و تضمین حیات اسرائیل

یکی دیگر از اهداف این نظریه، تأمین امنیت و تضمین حیات اسرائیل است. اسرائیل سال‌هاست که با غضب زمین و قتل و جنایت در قله اول مسلمین، در تنش با کشورهای اسلامی به سر می‌برد. آن‌ها سال‌ها رودرروی هم صف‌آرایی کرده‌اند و چند جنگ مستقیم را نیز در کارنامه دارند (1967: Israel ends six-day war بی‌بی‌سی). کشورهای اسلامی و عربی درصدد جبران شکست‌های گذشته خود از یک کشور کوچک هستند؛ چراکه در جنگ با صهیونیست‌ها بارها و پی‌درپی تحقیر شده‌اند. اگر تمدن اسلامی احیا شود، اولین هدفش، محو کردن اسرائیل غاصب است و با توجه به منابع عظیم جهان اسلام، این هدف دست‌یافتنی به نظر می‌رسد.

از آنجاکه طراح این نظریه از یهودیان است، نمی‌توان دغدغه فرقه‌ای را در نظریه او نادیده گرفت. پیش از نظریه برخورد تمدن‌ها، غرب تماشاگر جنگ یهودیان و مسلمان‌ها بود و در صورت نیاز، از طرف ضعیف حمایت می‌کرد تا نابود نشود؛ اما هانتینگتون با این نظریه تلاش می‌کند وجود فیزیکی تمدن غرب را به جهان اسلام بکشاند تا اسرائیل دیگر به‌تنهایی در برابر جهان اسلام باقی نماند. اضافه بر آن، با تحقق این نظریه، جنگ در میدان مسلمین شعله‌ور می‌شود و اسرائیل تماشاگر میدان نبرد خواهد بود.

در صورت جنگ میان تمدن اسلامی و تمدن غربی، بهترین بهره‌برداری را یهودیان و حکومت غاصب صهیونیست خواهند کرد؛ زیرا دو رقیب دیرینه آن‌ها، یعنی اسلام و مسیحیت آسیب خواهند دید. بنابراین یکی از اهداف مهم این نظریه، تأمین امنیت و تضمین حیات اسرائیل است.

۳-۳) تجزیه کشورهای اسلامی

یکی دیگر از اهداف سیاسی نظریه برخورد تمدن‌ها، تجزیه کشورهای اسلامی به واحدهای سیاسی کوچک است تا به راحتی مهار و در صورت نیاز اشغال شوند. این سیاست در عراق، سوریه، یمن و برخی از کشورهای اسلامی دیگر در حال آزمایش است.

تمدن غرب با توسل به اصل «حق تعیین سرنوشت» و به بهانه حفظ حقوق اقوام و اقلیت‌ها، تلاش می‌کند کشورهای اسلامی را تجزیه کند. آن‌ها با این بهانه، از تشکیل واحدهای سیاسی ملی کوچک حمایت می‌کنند؛ ولی در واقع هدفشان تجزیه بیشتر کشورهای اسلامی است. در این راستا در کشورهای ترکیه، عراق، یمن، سوریه، مصر، عربستان، ایران، پاکستان و... اقوام و گروه‌های جدایی طلب تقویت شده‌اند. در برخی از کشورهای اسلامی به

دلیل ضعف نظام حاکم، این سیاست مشهودتر دیده می‌شود و در تعدادی دیگر از کشورها، فعالیت این گروه‌های جدایی‌طلب، کمتر به چشم می‌خورد که دلیل آن نیز در ساختار نظام حاکم و قدرت نظامی این کشورهاست.^۱

در نتیجه این نظریه سبب واگرایی در جوامع اسلامی شده است. این واگرایی هم در بین ملت‌های مسلمان در یک کشور و هم در بین کشورهای اسلامی دیده می‌شود؛ چنان‌که روابط کشورهای اسلامی با یکدیگر، از همکاری به سمت تنش پیش می‌رود.

۴- آثار و پیامدهای سیاسی نظریه برخورد تمدن‌ها در واگرایی جهان اسلام

نظریه برخورد تمدن‌ها و دشمن‌انگاری تمدن اسلامی نزد تمدن غرب، سبب حضور نظامی تمدن غرب در جهان اسلام شده که دخالت تمدن غرب در روابط کشورهای اسلامی و تحولات منطقه و در نتیجه واگرایی در جهان اسلام را به دنبال داشته است. وابستگی سیاسی جهان اسلام به غرب، بروز اختلاف بین مسلمین، ایجاد تنش سیاسی در جهان اسلام، شکل‌گیری بلوک‌بندی جدید، مهار دوجانبه، محدودیت مهاجرت به غرب، بروز درگیری در اجلاس حقوق بشر، و حضور دائمی آمریکا در جهان اسلام، از مهم‌ترین آثار و پیامدهای سیاسی نظریه برخورد تمدن‌هاست. البته این آثار و پیامدها منحصر به این موارد نیست.

۴-۱) وابستگی سیاسی جهان اسلام به غرب

یکی از پیامدهای سیاسی نظریه برخورد تمدن‌ها، تشدید وابستگی‌های سیاسی گذشته جهان اسلام به غرب است. پیش از نظریه برخورد تمدن‌ها و حضور نظامی تمدن غرب در جهان اسلام، کشورهای مسلمان با تفاهم و هماهنگی، مسائل منطقه را حل می‌کردند. محور اصلی در جهان اسلام، سازمان کنفرانس اسلامی با مشارکت کشورهای بزرگ‌تر اسلامی بود. البته رقابت‌هایی در بین کشورهای اسلامی هم وجود داشت که این رقابت‌ها طبیعی بود و در بین کشورهای جهان نیز وجود دارد.

با حضور نظامی غرب، رقابت‌های طبیعی به سمت واگرایی، تنش و رویارویی نظامی پیش می‌رود. امروز مشکلات جهان اسلام، در درون تمدن اسلامی برطرف نمی‌شود؛ بلکه قدرت‌های غربی در حل این مشکلات، نقش برادر بزرگ‌تر را بازی می‌کنند. آمریکا و دیگر

۱. برای مطالعه بیشتر به منابع زیر مراجعه شود:

Free Kurdistan (Kurdistan, an ideal ally of US and Israel in the Middle East); The Ahwazi Democratic Popular Front – Home; Pike, John (21 May 2004). "Kurdistan Workers' Party (PKK)". Federation of American Scientists. Retrieved 23 July 2008; British Occupation and Mandate, 1918-1932.

قدرت‌های جهان در تحولات جهان اسلام دخالت مستقیم دارند. تحولات سوریه، عراق، افغانستان، یمن و... نمونه‌هایی از وابستگی سیاسی تمدن اسلامی به تمدن غرب هستند.

کشورهای اسلامی نیز این نقش را برای آمریکا پذیرفته‌اند و مسئله فلسطین و اشغال سرزمین اسلامی و قبله اول مسلمین را فراموش کرده‌اند.

نتیجه این مسئله، وابستگی سیاسی جهان اسلام به غرب، به رهبری آمریکا است. آمریکا با حضور نظامی و فیزیکی، تحولات سیاسی جهان اسلام را به نفع تمدن غرب و به ضرر تمدن اسلامی مدیریت، و بلکه هدایت می‌کند. در نتیجه شاهد افزایش واگرایی در کشورهای اسلامی هستیم (صادقی، ۱۳۹۴: ۳۰).

۲-۴) ایجاد اختلاف بین مسلمین

یکی دیگر از پیامدهای مهم نظریه برخورد تمدن‌ها و حضور نظامی غرب، ایجاد اختلاف بین مسلمین است. با حضور نیروهای غرب در جهان اسلام، اختلاف بین فرقه‌های مسلمین، و تکفیر و قتل و غارت در بین جوامع مسلمین افزایش یافته است و امروز شاهد بی‌اعتمادی گروه‌های اسلامی به همدیگر هستیم. این روابط، متأثر از نظریه برخورد تمدن‌ها و حضور فیزیکی و نظامی ایالات متحده آمریکا در منطقه، از همکاری به سمت واگرایی، و از واگرایی به طرف تنش و بحران پیش می‌رود.

تمدن غرب به رهبری آمریکا، پس از دوران جنگ سرد، به منازعات منطقه‌ای دامن می‌زند و از گروه‌های افراطی و بسیار کوچک، حمایت‌های سیاسی و امنیتی می‌کند و هدف اصلی آن‌ها نابودی جهان اسلام و تمدن اسلامی است؛ همانند آنچه در اندلس رخ داد. در همین راستا اختلاف بین مذاهب اسلامی برجسته می‌شود. آن‌ها برای فریب جهان اسلام و فرقه‌های اسلامی، از یک مذهب حمایت و با مذهب دیگر دشمنی می‌کنند و تا کنون در نقشه خود موفق نیز بوده‌اند.

یکی از موانع مهم وحدت در جهان اسلام، رفتار خشن وهابی‌هاست که هم‌پیمان بلوک غرب در تضعیف جهان اسلام هستند. در دوران جنگ سرد این‌گونه تقابل‌ها روندی فزاینده به خود گرفته و دولت‌هایی که نماینده این جریان هستند، در تقابل با محور مقاومت و هم‌پیمان آمریکا هستند. آن‌ها با دشمنی آشکار با دیگر فرقه‌های اسلامی، از جمله شیعیان، به اختلاف‌های مسلمین دامن می‌زنند. اندیشه تکفیری، فضای گفت‌وگو و تفاهم در جهان اسلام را از بین برده است و یکی از موانع مهم توافق و همکاری در بین فرقه‌ها و نیز کشورهای اسلامی به شمار می‌رود (حافظ‌نیا و زرقانی، ۱۳۹۱: ۱۴۴).

اختلاف بین مذاهب شیعه و سنی طبیعی است؛ همان‌طور که بین مذاهب اهل سنت و نیز در بین فرقه‌های مسیحیت اختلاف‌هایی هست. تعصب به مذهب و عقاید نیز در تمام فرقه‌ها و ادیان وجود دارد و طبیعی است؛ اما تمدن غرب اختلاف‌های فرقه‌ها و مذاهب اسلامی را برجسته، و با حمایت‌های سیاسی، امنیتی و تبلیغاتی از فرقه‌های کوچک و تندرو، آن‌ها را تقویت می‌کند. رسانه‌های غربی رفتار خشونت‌آمیز، غیرانسانی و غیراسلامی برخی از فرقه‌های منحرف را بسیار پررنگ نشان می‌دهند.

غرب پس از حوادث ۱۱ سپتامبر بیش از پیش به تعصبات مذهبی، ملی و قبیله‌ای دامن می‌زند و این عمل در راستای ایجاد واگرایی سیاسی و چالش در جهان اسلام است (صادقی و شوشتری، ۱۳۸۹: ۶).

هر روز گروه‌ها و فرقه‌های جدید به وجود می‌آیند. تمدن غرب به رهبری آمریکا در رشد و نمو این گروه‌ها نقش فعال دارد. این گروه‌ها تا زمانی حمایت می‌شوند که خطر جدی برای منافع غرب ایجاد نکنند؛ اما زمانی که این منافع تهدید شوند، گروه‌های یادشده با نام جدید دوباره تقویت، یا گروه‌های دیگری از درون آن‌ها حمایت می‌شوند. این گروه‌ها با ایجاد اختلاف در بین مسلمین، به قتل، غارت و ایجاد وحشت می‌پردازند و در راستای منافع غرب عمل می‌کنند.

۳-۴) ایجاد واگرایی و تنش سیاسی در جهان اسلام

ایجاد اختلاف بین مسلمین به ایجاد واگرایی و تنش سیاسی در جهان اسلام منتهی می‌گردد. یکی دیگر از پیامدهای مهم نظریه برخورد تمدن‌ها و حضور نظامی تمدن غرب در جهان اسلام، ایجاد تنش سیاسی در بین دولت‌های اسلامی است. با حضور نیروهای تمدن غرب به رهبری آمریکا، روابط کشورهای اسلامی، از تفاهم، رقابت و گفت‌وگو به سمت واگرایی، تنش، نزاع و جنگ پیش می‌رود؛ تا آنجا که امروز شاهد بی‌اعتمادی کشورهای اسلامی به همدیگر و رویارویی آن‌ها با یکدیگر هستیم. این روابط، متأثر از نظریه برخورد تمدن‌ها و حضور ایالات متحده آمریکا در منطقه، به طرف بحران منطقه‌ای پیش می‌رود.

تمدن غرب به رهبری آمریکا به منازعات کشورهای اسلامی دامن می‌زند و با ترفندهای مختلف، آتش نفاق را در جهان اسلام و خاورمیانه شعله‌ور ساخته است. روابط کشورهای اسلامی از رقابت به خصومت تبدیل شده است (صادقی، ۱۳۹۴: ۳۰).

تمدن غرب برای جلوگیری از احیای تمدن اسلامی، هم‌بستگی سیاسی دولت‌های اسلامی و شکل‌گیری کشورهای مقتدر اسلامی، روابط خود را با برخی از کشورهای

اسلامی، از طریق فروش تسلیحات و کالای تجاری تقویت می‌کند (حسینی مقدم و صنیع اجلال، ۱۳۹۱: ۱۱) و به واگرایی و تنش سیاسی در جهان اسلام دامن می‌زند. ایجاد واگرایی و تنش سیاسی در جهان اسلام، یکی از اهداف نظریه برخورد تمدن‌ها و قدرت‌های غربی است (صادقی و شوشتری، ۱۳۸۹: ۶). کشورهای اسلامی نیز با رقابت‌های واهی، به تحقق این هدف کمک می‌کنند. برخی از کشورهای اسلامی که نسبت به دیگر کشورهای اسلامی اندکی پیشرفته‌تر یا غنی‌ترند، برای خود حوزه نفوذ در نظر گرفته‌اند و با دخالت در امور داخلی کشورهای ضعیف‌تر اسلامی، حساسیت کشورهای دیگر اسلامی را برمی‌انگیزند و به رقابت‌های پوچ دامن می‌زنند (حافظ‌نیا و زرقانی، ۱۳۹۱: ۱۴۸-۱۴۹)؛ ولی همین کشورها در برابر کشورهای مقتدر غربی، چاره‌ای جز تسلیم ندارند و مجبورند از خواسته‌های آن‌ها پیروی کنند. بدبختی جهان اسلام نیز از رقابت‌های واهی همین کشورهای به‌ظاهر مقتدر اسلامی نشأت می‌گیرد؛ این کشورها منابع عظیم جهان اسلام را در اختیار دارند و با رقابت‌های بیهوده، همه سرمایه‌های جهان اسلام را هدر می‌دهند.

امروز تنش در روابط کشورهای اسلامی به مرحله بحران رسیده و سازمان کنفرانس اسلامی و اتحادیه عرب، به محل کشمکش و نزاع درون‌تمدنی تبدیل شده است.

کشورهای غربی به رهبری آمریکا از این نزاع درون‌تمدنی جهان اسلام، بهترین بهره‌برداری سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی را می‌کنند و در جنگ تمدن‌ها گویا موفق ظاهر شده‌اند. اگر این کشمکش‌ها پایان نیابد، تمدن اسلامی به سمت انحطاط کامل پیش می‌رود.

۴-۴) شکل‌گیری بلوک‌بندی جدید سیاسی

پیامد دیگر نظریه برخورد تمدن‌ها، شکل‌گیری بلوک‌بندی جدید در جهان اسلام است. بلوک‌بندی از گذشته در بین کشورهای جهان وجود داشته و به اشکال مختلف ظهور کرده است؛ اما پس از طرح نظریه برخورد تمدن‌ها و حضور نظامی غرب در جهان اسلام، بلوک‌بندی جدید در حال شکل‌گیری است. این بلوک‌بندی جدید، هم در سطح جهانی و هم در جهان اسلام، قابل مشاهده است.

متأسفانه در تمدن اسلامی، وحدت دیده نمی‌شود و کشورهای اسلامی در دو طرف این بلوک‌بندی، صف‌آرایی کرده‌اند. برخی از آن‌ها در بلوک تمدن غرب و برخی دیگر در طرف تمدن‌های غیرغربی دیده می‌شوند.

۱. بلوک تمدن غرب

برخی از کشورهای اسلامی از بلوک تمدن غرب پیروی می‌کنند و نقش ابزاری برای تمدن غرب در جهان اسلام دارند. این کشورها نقش اساسی در بلوک‌بندی جهانی ندارند؛ ولی با دامن زدن به جنگ منطقه‌ای، به سود تمدن غربی و ضرر تمدن اسلامی عمل می‌کنند.

۲. بلوک تمدن اسلاو ارتدکس و برخی از دیگر کشورهای اسلامی با همراهی غیرمحمسوس تمدن کنفوسیوس (سینیک).

برخی دیگر از کشورهای اسلامی در بلوک تمدن‌های غیرغربی قرار گرفته‌اند. این کشورها تا حدودی توانسته‌اند در برابر تمدن مهاجم غرب بایستند و در درگیری‌های منطقه‌ای نقش فعال دارند.

در جنگ سوریه، عراق، یمن، افغانستان و... این بلوک‌بندی به‌روشنی دیده می‌شود. دولت‌های جهان اسلام به سمت واگرایی و نفاق داخلی پیش می‌روند که باعث ویرانی هرچه بیشتر سرزمین‌های اسلامی است (صادقی، ۱۳۹۴: ۲۶-۳۰).

۴-۵) تغییر سناریو در جنگ تمدن‌ها

در نظریه برخورد تمدن‌ها، دشمن اصلی تمدن غرب، اتحاد تمدن‌های اسلامی و سینیک به رهبری چین معرفی شده است.

هانتینگتون یک سناریو از جنگ تمدن‌ها را بررسی می‌کند که بسیار پرهزینه و خطرناک است؛ اما تمدن غرب به رهبری آمریکا تغییر سناریو می‌دهد. در سناریوی هانتینگتون، محور جنگ، جنوب شرق آسیا و مرکز تمدن سینیک (چین) در نظر گرفته شده است. بر اساس نظریه هانتینگتون، دو تمدن اسلام و سینیک، رقیب‌های اصلی تمدن غرب هستند. در این سناریو پیش‌بینی شده که جنگ با یکی از تمدن‌های رقیب، یعنی تمدن سینیک، سبب از بین رفتن اقتدار تمدن غرب می‌شود. چین دارای توانایی هسته‌ای است و جنگ با این تمدن، ویرانی و از بین رفتن تمدن غرب را به دنبال دارد (هانتینگتون، ۱۳۸۰: ۲۵۴-۲۶۰).

غرب به رهبری آمریکا جنگ را در مرکز تمدن رقیب دیگر، یعنی اسلام می‌کشانند؛ زیرا تمدن اسلامی فاقد توانایی هسته‌ای است؛ همچنین قدرت مرکزی و برتر نیست تا در منازعات جهانی، نقش برادر بزرگ‌تر را بازی، و مناقشات را حل کند. بنابراین تمدن غرب به رهبری آمریکا تغییر سناریو می‌دهند و جنگ را به جهان اسلام می‌کشاند.

سناریوی هانتینگتون با جنگ تمدن‌ها اجرا می‌شود؛ اما با یک رقیب ضعیف‌تر که آن

تمدن اسلامی است. جنگ امروز در جهان اسلام، در واقع تغییر سناریوی هانتینگتون و حاصل نظریه برخورد تمدن‌هاست که سبب واگرایی و تنش در جهان اسلام شده است.

۴-۶) مهار دوجانبه^۱

در گذشته آمریکا به دنبال مهار ایران و عراق از طریق توازن قوا بود؛ اما پس از طرح این نظریه، آمریکا سیاست جدید مهار دوجانبه را در پیش گرفت (هنری کسینجر، ۱۳۸۰: ۲۱). مهار دوجانبه، متأثر از نظریه برخورد تمدن‌هاست (هانتینگتون، ۱۳۸۱: ۹۷). در این سیاست، کشورهای خاورمیانه به دو گروه تقسیم شدند: دوستان غرب، و دشمنان تمدن غرب و تهدیدکننده منافع آن‌ها که از کشورهای گروه دوم با عنوان‌های ناقض حقوق بشر، تهدیدکننده ثبات منطقه، حامی تروریست و... نام می‌برند. آمریکا به دنبال منزوی کردن ایران و عراق بود تا منافع تمدن غرب در منطقه تهدید نشود؛ به همین منظور، اعمال فشارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی را بر این دو کشور شروع کرد. طراح این نظریه، مارتین ایندیک^۲، مدیرکل خاورمیانه‌ای وزارت امور خارجه آمریکا و مسئول امور خارجه در شورای امنیت ملی دولت کلینتون بود. به گفته مارتین ایندیک، ایالات متحده آمریکا دیگر به سیاست توازن میان ایران و عراق نمی‌پردازد؛ بلکه قدرت آمریکا و دوستانش در منطقه به واشنگتن اجازه مقابله با هر دو رژیم عراق و ایران را می‌دهد و ما دیگر برای مقابله با یکی از آن‌ها به دیگری نیاز نداریم (Special Report: Clinton administration policy toward the Middle East. Policy Watch, The Washington Institute for Near East policy, 21 May 1993). استراتژی مهار دوجانبه نقش توازن قوا^۳ را در منطقه به هیچ‌وجه نادیده نمی‌گیرد (Martin indyk, 1994, pp 2-3).

مارتین ایندیک درباره دلیل اتخاذ این استراتژی می‌گوید: پایان جنگ سرد و از بین رفتن شوروی باعث شد ما دیگر نگران واکنش خصمانه روسیه نباشیم. فقدان ابرقدرتی که به حمایت از کشورهای مخالف ما در منطقه برخیزد، توازن قوا را به نفع ما تغییر داده است. در نتیجه جنگ ایران و عراق و به دنبال آن جنگ عراق و کویت و سپس جنگ خلیج فارس، اهمیت توازن نظامی کمتر شده است. حمله عراق به کویت، رغبت دوستان ما را به پیمان‌های امنیتی با آمریکا بیشتر کرده است (درکشیده، ۱۳۷۴: ۳۴)؛ یعنی کشورهای حوزه خلیج فارس برخلاف گذشته، به آمریکا نزدیک شده‌اند. این موارد، قدرت نهایی آمریکا را در منطقه بیشتر کرده است.

1. dual containment.
2. Martin indyk.
3. Balance of Power.

۷-۴) حضور دائمی آمریکا در جهان اسلام

یکی از مهم‌ترین پیامدهای سیاسی نظریه برخورد تمدن‌ها، حضور دائمی آمریکا در جهان اسلام است که آثار زیان‌باری برای جهان اسلام در پی داشته است؛ تشدید اختلاف میان کشورهای اسلامی، کنترل بر شاهراه‌ها و مناطق استراتژیک، نظارت بر تحولات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی، مدیریت روابط کشورهای اسلامی و تقویت تروریسم، از نتایج روشن این حضور زیان‌بار است.

کشورهای جهان اسلام به دو دسته همسو با تمدن غرب و مخالف تمدن غرب تقسیم شده‌اند. غرب به دنبال تضعیف کشورهای مخالف تمدن غرب است؛ چنان‌که در جنگ سوریه، یمن و عراق شاهد این سیاست هستیم.

به دنبال برخورد تمدن‌ها و حضور نظامی آمریکا در جهان اسلام، حوادث تأسّف‌بار در منطقه خاورمیانه و آفریقا رقم خورد؛ از جمله نفاق داخلی در بین برخی کشورهای اسلامی عمیق‌تر شده و روابط این کشورها از رقابت، به تقابل و جنگ میدانی کشیده شده است (صادقی، ۱۳۹۴: ۲۶-۳۰).

در جنگ تمدن‌ها، مسلمان‌ها بازنده اصلی هستند؛ زیرا خانه‌های آن‌ها به میدان جنگ تبدیل شده است، نفاق در تمدن اسلامی بیداد می‌کند و کشورهای اسلامی به ابزاری برای برخورد تمدن‌ها بدل شده‌اند. این نظریه، جنگ و خشونت را در جهان اسلام ترویج کرده است. کشورهای خاورمیانه و آفریقا قربانیان سیاست تهاجمی تمدن غرب هستند.

۸-۴) جلوگیری از اتحاد اسلامی

یکی دیگر از آثار سیاسی نظریه برخورد تمدن‌ها و حضور دائمی نظامی غرب در جهان اسلام، جلوگیری از تحقق اتحاد اسلامی است. تمدن غرب به رهبری آمریکا، به‌ویژه با حضور مشاوران سیاسی و نظامی اروپایی و آمریکایی در برخی از کشورهای اسلامی، روابط این کشورها را به سمت تنش و جنگ سوق می‌دهد و در عمل از اتحاد اسلامی جلوگیری می‌کند.

در نتیجه، شکاف بین دولت‌های اسلامی هر روز عمیق‌تر، و اتحاد اسلامی، رؤیایی دست‌نیافتنی‌تر برای امت اسلامی می‌شود. استعمار در قدیم نیز با همین ترفند، کشورهای هدف خود را چپاول، و با بهره‌برداری از اختلاف‌های مذهبی، قومی، زبانی و نژادی در این کشورها، از اتحاد آن‌ها جلوگیری می‌کردند (آشوری، ۱۳۸۷: ۲۸). امروز تمدن غرب از اختلاف‌های طبیعی جوامع اسلامی برای دور کردن دولت‌های مسلمان از یکدیگر استفاده می‌کند؛ در حالی که تفاوت در تمام جوامع طبیعی است، اما مانعی بر سر راه اتحاد و در نتیجه پیشرفت آن‌ها به وجود نیآورده است.

۵- ابزارهای تأثیر سیاسی نظریه برخورد تمدن‌ها

در حوزه سیاسی، روش‌ها و ابزارهای متنوع و متفاوتی برای تحقق اهداف سیاسی به کار می‌روند. این ابزارها، گاهی هم‌زمان با ابزارهای نظامی و فرهنگی، و گاهی به‌تنهایی استفاده می‌شوند. تحریم، مذاکره، روابط دیپلماتیک، روابط اقتصادی و... نمونه‌هایی از ابزارهای تمدن غرب و در واقع مهم‌ترین آن‌ها، برای سیطره بر تمدن اسلامی هستند؛ البته ابزارهای تأثیر سیاسی نظریه برخورد تمدن‌ها در این موارد منحصر نیست.

۵-۱) تحریم

از گذشته‌های دور، تحریم^۱ یکی از ابزارهای مهم سیاسی بوده است که قدرت‌های زورگو و امپراتوری‌های سلطه‌گر، همواره از آن بهره برده‌اند. تحریم، نوعی جریمه است که با هدف واداشتن تحریم‌شونده به اطاعت، صورت می‌گیرد.

تمدن غرب به رهبری آمریکا، تحریم را برای همه کشورهای مخالف تمدن غرب به کار گرفته‌اند؛ اما پس از نظریه برخورد تمدن‌ها، سخت‌ترین تحریم‌ها درباره کشورهای تمدن اسلامی اعمال شده است.

تحریم‌های عراق و ایران، نمونه‌هایی از ابزار سیاسی تمدن غرب در برخورد با کشورهای تمدن اسلامی است.

تحریم‌های متأثر از نظریه برخورد تمدن‌ها بر ضد عراق بر اساس قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد، به‌ویژه قطعنامه ۶۸۷ اعمال می‌شد. مهم‌ترین و سخت‌ترین تحریم‌ها بر ضد ایران نیز در زمان ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد رقم خورد. پس از به قدرت رسیدن محمود احمدی‌نژاد و با دستور او، تعلیق غنی‌سازی اورانیوم برداشته شد. دولت آمریکا با همین بهانه به سازمان ملل متحد^۲ فشار آورد که ایران را تحریم کند (Iraq prime minister to visit Iran". الجزیره (شبکه خبری). September 2006). این سازمان نیز در دسامبر ۲۰۰۶ قطعنامه ۱۷۳۷، در مارس ۲۰۰۷ قطعنامه ۱۷۴۷، در مارس ۲۰۰۸ قطعنامه ۱۸۰۳ و در ژوئن ۲۰۱۰ قطعنامه ۱۹۲۹ را بر ضد ایران تصویب کرد (New Jersey mulls banning Iran "investments" جروزالم پست Associated Press. 14 June 2007). اما تحریم‌های بانک مرکزی ایران در سال ۲۰۱۲، خرید نفت خام در سال ۲۰۱۲، دسترسی به درآمدهای نفت ۲۰۱۲ و کشورتیرانی در سال ۲۰۱۳) <http://www.payeshtv1.ir>.

1. Sanction
2. UNSC

داشتند. (<http://rasinfo.blogfa.com/post-81.aspx>) به صورت واقعی در جامعه ایران آثار روانی

تمدن غرب به رهبری آمریکا با این ابزار، از شکل گیری قدرت نظامی و اقتصادی در جهان اسلام جلوگیری کرده است؛ قدرتی که منافع تمدن غرب را تهدید می کند. غرب با سیطره بر سازمان های بین المللی، کشورهای تمدن اسلامی را تهدید به تحریم، و با ابزار تحریم، خواسته های خود را با عنوان خواسته های جامعه جهانی، دموکراسی و حقوق بشر، بر دولت های مسلمان تحمیل می کند.

۲-۵) مذاکره

مذاکره،^۱ گفت و گو برای دستیابی به هدفی مشخص، رسیدن به نتیجه ای مطلوب و رفع اختلاف ها میان دو یا چند طرف است. مذاکره نیز یکی از ابزارهای سیاسی است. پس از نظریه برخورد تمدن ها، این ابزار در راستای سیاست غرب به کار گرفته شده است. تمدن غرب با ابزار مذاکره، خواسته های خود را بر کشورهای تمدن اسلامی تحمیل کرده است.

در این چند سال، شاهد مذاکره غرب با کشورهای اسلامی بودیم. این مذاکره ها با شعار برد- برد انجام شده، اما در عمل، مذاکره در جهت خواسته های غرب پیش رفته است. به گفته چامسکی ما با دیگران مذاکره می کنیم؛ به شرطی که طرف مذاکره پیشاپیش، نتایج دلخواه ما را بپذیرد؛ و البته با اسلحه ای که سر آن ها را نشانه می گیریم و این تهدیدمان ادامه دارد (چامسکی، ۱۳۹۰: ۴۱).

مذاکره تمدن غرب با کشورهای اسلامی در راستای منافع غرب تحمیل شده است. در مذاکره با لیبی، عراق و ایران، شاهد بودیم که همه آن ها به نفع تمدن غرب و به ضرر تمدن اسلامی رقم خوردند. مذاکره عراق با غرب، به حضور نظامی تمدن غرب در جهان اسلام منتهی شد و مذاکره ایران با غرب نیز به کشمکش های درونی و نقض آشکار مذاکره از سوی آمریکا در صحنه بین الملل انجامید. جنگ های ویرانگر در جهان اسلام، نفاق کشورهای اسلامی، رقابت های نفتی کشورهای اسلامی و... را می توان در راستای همین سیاست بررسی کرد. مذاکره ابزاری برای تحقق خواسته های تمدن غرب است و دولت های اسلامی باید منافع تمدن غرب و به ویژه آمریکا را در نظر بگیرند.

۳-۵) روابط دیپلماتیک

روابط دیپلماتیک نیز از دیگر ابزارهای مهم سیاسی است. روابط دیپلماتیک یا دیپلماسی^۱ به ارتباط میان سیاستمداران و سران کشورهای جهان گفته می‌شود. تمدن غرب به رهبری آمریکا با برخی از کشورهای اسلامی روابط دیپلماتیک نزدیک برقرار کرده است. این روابط نزدیک، به حضور فیزیکی آمریکا در این کشورها منتهی شده است. با حضور کارشناسان و مشاوران غربی در کشورهای اسلامی، تحولات جهان اسلام به نفع تمدن غرب مدیریت می‌شود.

هدف اصلی آمریکا برای سلطه بر منطقه، در «اصل کارتر» روشن می‌شود. این اصل، تلاش هر قدرت خارجی برای سلطه بر منطقه خاورمیانه را به معنای تجاوز به منافع حیاتی آمریکا در نظر می‌گیرد؛ در نتیجه آمریکا در برابر چنین تجاوزی خواهد ایستاد و با تمام توان، از جمله به وسیله نیروهای نظامی خود با آن‌ها برخورد خواهد کرد. (شرابی، ۱۳۷۵: ج ۲: ۱۳۴۱)

نتیجه روابط دیپلماتیک نزدیک برخی کشورهای اسلامی و آمریکا، سیطره غرب بر تحولات سیاسی و روابط کشورهای اسلامی بوده است که به واگرایی و تنش در جهان اسلام منتهی شده است.

۴-۵) روابط اقتصادی

یکی دیگر از ابزارهای مهم تأثیر سیاسی، روابط اقتصادی است. پس از نظریه برخورد تمدن‌ها، تمدن غرب روابط اقتصادی با برخی کشورهای اسلامی را تقویت کرد. آمریکا و دیگر کشورهای اروپایی به دو دلیل بر روابط اقتصادی با کشورهای اسلامی و در حال توسعه تمرکز کرده‌اند: یکی تأمین مواد اولیه و ارزان قیمت و دوم اینکه کشورهای اسلامی گزینه‌ای عالی برای سرمایه‌گذاری با سود بالا و بهترین بازارهای مصرف به شمار می‌روند.

در همین راستا، کشورهای اسلامی به سمت تک‌محصولی هدایت می‌شوند و نظام اقتصاد تک‌محصولی به مرور کشورهای اسلامی را به سمت عقب‌ماندگی اقتصادی پیش می‌برد (الهی، ۱۳۶۷: ۸۷-۸۸). نفت مهم‌ترین محصول کشورهای اسلامی است که به یک‌پنجم قیمت واقعی آن تنزل کرده است. دلیل اصلی این تنزل قیمت تک‌محصول جهان اسلام، حضور نظامی غرب و دخالت در تحولات جهان اسلام است. تشدید درگیری‌های منطقه‌ای، واگرایی و رقابت‌های کشورهای جهان اسلام، از مهم‌ترین علت‌های کاهش قیمت نفت بود.

(<http://www.tabnak.ir/fa/news>; <http://forsatnet.ir/news/energy>)

نتیجه روابط اقتصادی نزدیک برخی کشورهای اسلامی با آمریکا، غارت کشورهای اسلامی و منابع آن‌ها، فروش کالاها و سلاح‌های کشورهای غربی، چند برابر قیمت به کشورهای اسلامی و مدیریت و سیطره غرب بر شاهراه‌ها و مناطق استراتژیک کشورهای اسلامی بوده است.

تمدن غرب با حضور در جهان اسلام، منابع عظیم این منطقه را در راستای منافع خود مدیریت می‌کند و با روابط اقتصادی، واگرایی را در جهان اسلام تشدید کرده است.

۵-۵) اسلام‌هراسی^۱ و اسلام‌ستیزی

بعد از طرح نظریه برخورد تمدن‌ها، اصطلاح اسلام‌هراسی، بیشتر بر سر زبان‌ها افتاده است. غرب به دنبال ایجاد و رواج نوعی تصور ذهنی منفی درباره اسلام و مسلمین است. اسلام‌هراسی به این معناست که دنیای اسلام به‌طور اعم و مسلمانان مقیم کشورهای اروپایی به‌طور خاص، منشأ تهدید و خطر برای مردم، فرهنگ و تمدن غربی هستند؛ اسلام، دین خشونت، تحجر و ناپردباری است و تمدن اسلامی در درجه پایین‌تر از تمدن غربی قرار دارد. به‌طور کلی اسلام‌هراسی بر این مطلب دلالت دارد که اسلام هیچ اشتراکی با دیگر مذاهب و فرهنگ‌ها ندارد.

مؤسسه «رانی مدتراست»^۲ انگلستان، هشت تعریف برای واژه اسلام‌هراسی بیان کرده است که درحقیقت توجیه‌گر سیاست‌های تبعیض‌آمیز غرب در برابر مسلمانان است (www.runnymedetrust.org/uploads/publications/pdfs/islamophobia.pdf)
(accessed in: 2010/11/27).

ریشه‌های اسلام‌هراسی را می‌توان در سیاست دشمن‌سازی غرب جست‌وجو کرد. اکنون که خطر دشمنی کمونیسم وجود ندارد، باید دشمن دیگری ساخته شود و نظریه برخورد تمدن‌ها این مسئله را دنبال می‌کند. به گفته مورس دوورژه دشمنی اختراع می‌شود یا در اهمیت یک دشمن واقعی غلو می‌شود و به اسم جلوگیری از خطر این دشمن، تدابیری توجیه می‌گردد (دوورژه، ۱۳۷۹: ۱۷۹). غرب نیازمند قدرت نرم است تا توجیه‌گر اقداماتش باشد. امروز اسلام با چهره‌ای تروریستی، می‌تواند توجیه‌گر اشغال و خشونت در جهان اسلام باشد. برای همین منظور، اسلام‌هراسی در دستور کار قرار گرفته است؛ همان‌طور که هانتینگتون فرهنگ شرق را برای فرهنگ غرب یک خطر می‌داند (هانتینگتون، ۱۳۸۱: ۱۰۳).

1. Islamophobia
2. Runny Medetrust

اسلام‌هراسی، تبلیغ و ترویج فرهنگ لیبرال دموکراسی و توهین به مقدسات اسلام، به‌ویژه اسلام سیاسی است که غربی‌ها آن را رقیبی سرسخت برای جوامع خود می‌دانند. آمریکا با تسلط رسانه‌ای بر جهان و با برنامه‌ریزی، در برابر جهان اسلام و دیگر تمدن‌های رقیب عمل می‌کنند (مهربانی‌فرد و خلیلی‌زاده، ۱۳۹۱: ۳۷-۳۸؛ <http://www.iranamerica.com/forum/showthread.php?>).

هانتینگتون تضاد دو تمدن اسلام و غرب را ناشی از جبر تاریخی معرفی می‌کند. او کاهش تقابل نظامی اسلام و غرب را بعید می‌داند؛ زیرا این درگیری قرن‌ها ادامه داشته است (هانتینگتون، ۱۳۸۱: ۵۸). بیشتر کشورهای غربی دچار مشکل هویت هستند و برژینسکی، همکار هانتینگتون نیز فساد درونی تمدن غرب را عامل تهدیدکننده قدرت جهانی آمریکا می‌داند (Berzeziski, 1993). در فضای جدید غرب، مکانیسم عامی برای توجیه اسلام‌هراسی به وجود آمده است (مجیدی و صادقی، ۱۳۹۳: ۲۰۱). وقتی یک مرد بلژیکی همسرش را تنبیه بدنی می‌کند، از سوی جامعه به مثابه یک ضعف شخصیتی در نظر گرفته می‌شود؛ اما اگر یک مسلمان این کار را بکند، به اسلام و به برخی آیات نسبت داده می‌شود (زمنی و پارکر، ۱۳۸۶: ۲۴-۲۶).

هانتینگتون تحلیل می‌کند مادامی که اسلام همچنان اسلام بماند و غرب نیز غرب بماند، نزاع بنیادین میان این دو تمدن و روش زندگی در آینده نیز ادامه خواهد یافت؛ درست همان‌گونه که در چهارده قرن گذشته صورت پذیرفته است. (Huntington, 77, pp 22-49). اعمال غیراسلامی برخی از گروه‌های تندرو و تکفیری، در کشورهای غربی برجسته‌سازی و تبلیغ می‌شود و به اسلام‌هراسی خواهد انجامید. درحقیقت هدف هانتینگتون و نظریه برخورد تمدن‌ها، با ضربه‌های دوستان نادان و نیرنگ دشمنان فریبکار محقق می‌شود.

اسلام‌ستیزی یک ابزار برای نظریه برخورد تمدن‌هاست؛ خطر اسلام برجسته می‌شود، درحالی‌که وحشیگری غربی‌هاست که در تاریخ، پررنگ است. تفتیش عقاید و جنگ‌های جهانی، نمونه‌هایی از این خشونت و درندگی جهان غرب است. بر اساس این نظریه، دولت‌های متمدن باید در جهان دخالت کنند. غرب برای بقای تمدن خود، باید مراقب مرزهای خونین در جهان باشد.

بر اساس اعتراف طراح نظریه برخورد تمدن‌ها، رشد اسلام در غرب بسیار چشمگیر است (هانتینگتون، ۱۳۸۰: ۶۰)؛ اما وی هم‌زمان از مرزهای خونین اسلام و خطر اسلام برای تمدن غرب سخن می‌گوید. این مسئله نشان می‌دهد که اسلام‌ستیزی ابزاری برای سیطره تمدن غرب بر تمدن اسلامی است.

اسلام و مسلمان‌ها به‌عنوان خطری برای جامعه جهانی تبلیغ می‌شوند. اسلام‌هراسی زمینه‌ساز تداوم حضور غرب در جهان اسلام و اسلام‌ستیزی است که سبب واگرایی و تنش در جهان اسلام شده است. در این نظریه، خطر اسلام برجسته می‌شود، درحالی‌که در کشورهای غربی، مسلمان‌ها در کنار مسیحیان زندگی مسالمت‌آمیزی دارند. حتی بسیاری از مسیحیان با دیدن رفتار حسنه مسلمان‌ها و نیز منطق دین مبین اسلام، به دین اسلام متمایل می‌شوند.

۵-۶) ترویج ابزارهای دموکراسی در جهان اسلام

یکی دیگر از ابزارهای نظریه برخورد تمدن‌ها، ترویج ابزارهای دموکراسی در جهان اسلام است. روند دموکراسی برای کشورهای مخالف تمدن غرب را نه خود این کشورها، بلکه تمدن غرب تعیین می‌کند و در صورت ناتوانی تمدن غرب در مهار این روند در جهان اسلام، مسیر دموکراسی تغییر می‌کند؛ چنان‌که بیداری اسلامی در کشورهای اسلامی یا سرکوب شدند (مانند کشور مصر، بحرین و...) یا از مسیر اصلی منحرف، و به سمت درگیری‌های فرقه‌ای هدایت شدند (مانند بسیاری از کشورهای اسلامی).

غرب از دموکراسی در جهان اسلام حمایت می‌کند؛ اما اگر دموکراسی بر ضد منافع و فرهنگ غرب باشد، در آن صورت ارتش و نیروی نظامی می‌تواند در آن کشور عمل کند (هانتینگتون، ۱۳۸۱: ۱۱۶).

تأثیر این نظریه را در جهان اسلام به‌روشنی مشاهده می‌کنیم. تحولات جهان اسلام و جنگ داخلی در تمدن اسلامی، از همین توصیه هانتینگتون سرچشمه گرفته است. همین سیاست غرب در تحولات کشورهای اسلامی، سبب واگرایی و تنش در جهان اسلام شده است.

۶- راهکارهای مقابله با تأثیر سیاسی نظریه برخورد تمدن‌ها

راهکارهای مقابله با تأثیرات سیاسی نظریه برخورد تمدن‌ها، کار چندان پیچیده‌ای نیست؛ بلکه به احساس درد مشترک، از خودگذشتگی و عزم قوی نیازمند است. درد مشترک از مشکلات جهان اسلام ناشی می‌شود و تا زمانی که این درد مشترک احساس نشود، از خودگذشتگی و عزم قوی را به دنبال نخواهد داشت.

کشورهای اسلامی سال‌هاست که تحقیر می‌شوند؛ شدیدترین تحقیر، شکست کشورهای اسلامی از اسرائیل بود. با حمایت تمدن غرب و به رهبری آمریکا، زنان و فرزندان ملت مسلمان، شکنجه و تحقیر، و زمین‌های آن‌ها غصب می‌شوند. این تحقیر به مردم فلسطین

اختصاص ندارد؛ بلکه همه کشورهای عربی و بلکه جهان اسلام تحقیر می‌شوند. بنابراین از خودگذشتگی، برادری و درنهایت، عزم استوار، نیاز امروز جامعه اسلامی است.

حضور نظامی آمریکا در جهان اسلام و دخالت در مسائل داخلی کشورهای اسلامی، تحقیر دیگری برای دولت‌های اسلامی است.

راهکارهای مقابله با تأثیر سیاسی نظریه برخورد تمدن‌ها به مواردی که در ادامه خواهیم شمرد، منحصر نمی‌شود؛ اما اینها مهم‌ترین راهکارهای مقابله به شمار می‌روند:

۱-۶) هم‌گرایی سیاسی در جهان اسلام

هم‌گرایی زمانی اتفاق می‌افتد که درد مشترکی وجود داشته باشد. جوامع اسلامی باید بیدار شوند و خواسته‌های بر حق خود را از رهبران مطالبه کنند. این درد باید در رهبران نیز به وجود آید؛ ولی آن‌ها منافع شخصی را بر منافع جهان اسلام ترجیح می‌دهند. مسلمانان در همه کشورهای اسلامی باید بدانند که سعادت آن‌ها در نفاق نیست؛ بلکه در هم‌گرایی و اتحاد است. برای مقابله با سیطره تمدن غرب بر جهان اسلام، اولین قدم، هم‌گرایی و حرکت به سمت وحدت در جهان اسلام است.

با حضور نیروهای خارجی به رهبری آمریکا در منطقه خاورمیانه، شکاف بین کشورهای اسلامی بیشتر شده است و روابط آن‌ها از هم‌گرایی و رقابت، به سمت تضاد و خشونت پیش می‌رود. اعتماد و اتکا به دولت‌های بیگانه سبب تحقیر هر ملتی می‌شود و در جامعه تحقیر شده، تعصبات قومی و نژادی به‌طور ویژه تجلی می‌کند و به بروز اختلافات داخلی می‌انجامد (موثقی، ۱۳۷۸: ۳۰۹).

یکی از مهم‌ترین آسیب‌ها در جهان اسلام، ملی‌گرایی افراطی است. ملی‌گرایی، هم در کشورهای عربی وجود دارد و هم در کشورهای ترک و فارس دیده می‌شود. این مسئله به تضعیف روند هم‌گرایی در جهان اسلام منتهی شده است. ملی‌گرایی در اصل، نوعی تفکر در یک جامعه سیاسی است که بر پایه مشترکاتی چون فرهنگ، زبان، آداب، سنن، تعلقات خونی، نژادی و قبیله‌ای به وجود می‌آید. ملی‌گرایی گاه در برتری‌طلبی نژادی و قومی ریشه دارد که از آن به شوونیسم^۱ یا ملی‌گرایی افراطی تعبیر می‌شود و از خلال آن، گاه برخی مکاتب انحرافی مانند فاشیسم و نازیسم ظهور می‌کنند (کاظمی، ۱۳۷۸: ۱۳۵-۱۳۶).

یکی از راهکارهای نجات جهان اسلام و مقابله با تأثیر سیاسی نظریه برخورد تمدن‌ها،

۱. به فرانسوی: Chauvinisme



حرکت به سمت هم‌گرایی سیاسی در جهان اسلام است. این هم‌گرایی با فشار افکار عمومی بر دولت‌ها و به وجود آمدن درد مشترک ایجاد می‌شود. این درد، هم در ملت‌ها و هم در دولت‌های اسلامی دیده می‌شود و حاصل سال‌ها تحقیر است.

۲-۶) پرهیز از اختلاف‌های سیاسی کشورهای اسلامی

حضور تمدن غرب به رهبری آمریکا در جهان اسلام، اختلاف سیاسی بین کشورهای اسلامی را تشدید کرده است. هانتینگتون در نظریه برخورد تمدن‌ها به غرب و آمریکا توصیه می‌کند و در واقع هشدار می‌دهد که تمدن غرب برای برتری در جهان، از اختلاف بین مسلمان‌ها بهره‌برداری کند.

اگر امروز پیامبر اکرم ﷺ در میان ما بود، همه مسلمان‌ها را به اتحاد و پرهیز از اختلاف دعوت می‌کرد. راه نجات همان است که شیخ شلتوت گفته است: «برادر دینی بین قلوب مسلمین پیوند برقرار می‌کند و آن‌ها را همچون خانواده واحد می‌سازد. مسلمان از خوشحالی مسلمان، خوشحال، و از ناراحتی او ناراحت می‌شود؛ هنگامی که گمراه شد، او را هدایت می‌کند و هنگامی که اغفال شد، او را ارشاد می‌کند و هنگامی که ضعیف شد، به او رحم می‌کند و در یک جمله، آن‌گونه که برای خود می‌پسندد، با او رفتار می‌کند» (شلتوت، ۱۴۱۰: ۴۴۵).

جهان اسلام به جولانگاه ابرقدرت‌ها تبدیل شده است. آن‌ها جنگ را به داخل سرزمین‌های اسلامی کشانده‌اند. هر روز خانه‌های مسلمین ویران، و فرزندان مسلمانان قربانی رقابت‌های جهانی می‌شوند. اختلاف و جنگ داخلی، دستاوردی جز ویرانی و عقب‌ماندگی ندارد. بنابراین یکی از راهکارهای نجات جامعه اسلامی، مبارزه با سیطره ابرقدرت‌ها و مقابله با برخورد تمدن‌ها، پرهیز کشورهای اسلامی از اختلاف سیاسی است.

۳-۶) حرکت به سمت اتحادیه کشورهای اسلامی

کشورهای اروپایی با وجود سابقه درگیری‌ها و مناقشات فراوان، و با پشت سر گذاشتن دو جنگ جهانی، به طرف اتحاد و یکپارچگی حرکت کردند. آن‌ها از خواسته‌های ملی و شخصی و بلکه از خودخواهی و تک‌روی، به طرف خواسته‌های بزرگ‌تر و آرمان‌های بلندتر گام برداشتند.

آرزوهای کوچک را می‌توان در درون آرمان‌های بزرگ‌تر و جهانی، و اقتدار و قدرت را در اتحاد و یکپارچگی دنبال کرد؛ همان چیزی که گم‌شده جهان اسلام و آرزوی دیرینه امت اسلامی است.

کشورهای اسلامی با داشتن سابقه درخشان امت واحد اسلامی و حکومت‌های مقتدر مسلمان، با کمی از خودگذشتگی و مهربانی در حق همدیگر، می‌توانند ارتش بزرگ اسلامی را

تشکیل دهند. این نیاز در امت اسلامی احساس می‌شود؛ اما سران دولت‌های اسلامی به دلیل منافع شخصی و غرور کاذب، این نیاز انسانی و واقعی را نادیده می‌گیرند. امت اسلامی باید بر دولت‌های اسلامی فشار آورد و این خواسته‌های برتر را از آن‌ها مطالبه کند. امت اسلامی باید به خاطر داشته باشد که سابقه حکومت‌های مقتدر را در کارنامه خود دارد. اتحادیه اروپا از ملی‌گرایی به سمت منطقه‌گرایی و اتحاد پیش می‌رود و این حرکت، قدرت چانه‌زنی این کشورها را در جهان افزایش داده است. با توجه به گستردگی ارتباط میان ملت‌ها، تشکیل نهادهای برتر که منافع مشترک را دنبال کند، روزبه‌روز بیشتر احساس می‌شود. در جهان اسلام، یک اصل قرآنی و دینی به نام «امت واحده» وجود دارد که این ایده می‌تواند بر قدرت و عظمت مسلمان‌ها بیفزاید. بنابراین یکی دیگر از راهکارهای مقابله با نظریه برخورد تمدن‌ها، حرکت به سمت تشکیل اتحادیه کشورهای اسلامی است.

۷. جمع‌بندی

در جمع‌بندی می‌توان گفت که تأثیرهای نظریه برخورد تمدن‌ها بر واگرایی در جهان اسلام، انکارناپذیر است. این نظریه برای سیطره تمدن غرب بر تمدن اسلامی، طراحی شده است. امنیت یهودیان و به‌ویژه اسرائیل، هدف سیاسی دیگر این نظریه است که با ظرافت و رندی خاص طراح نظریه، از نظرها پنهان مانده است.

قبل از نظریه برخورد تمدن‌ها، روابط جهان اسلام و غرب، بدون دخالت مستقیم غرب در تحولات جهان اسلام و به پیروی از روابط حاکم بر جنگ سرد دنبال می‌شد؛ در نتیجه روابط کشورهای اسلامی با یکدیگر نیز به صورت رقابت همراه با تعامل بود؛ اما پس از طرح این نظریه، روابط جهان اسلام و غرب، با دخالت مستقیم غرب در تحولات جهان اسلام شکل گرفت و به پیروی از آن، روابط کشورهای اسلامی نیز به سمت واگرایی، تنش و رویارویی حرکت کرد.

این نظریه با طراحی دقیق و با شگردهای ویژه، حضور دائمی تمدن غرب در جهان اسلام را به دنبال داشت که باعث بحران منطقه‌ای در خاورمیانه شده است؛ همچنین جنگ‌های ویرانگر داخلی در جهان اسلام، تشدید اختلاف‌های فرقه‌ای، و تشدید رقابت‌های دولت‌های اسلامی را در پی داشته است.

تأثیر سیاسی این نظریه و حضور نظامی غرب در جهان اسلام، روابط جهان اسلام و غرب و نیز روابط کشورهای اسلامی را دگرگون کرده است. ترویج دموکراسی غربی در جهان اسلام یکی از توصیه‌های این نظریه است که در یک کلام، ویرانی، قتل و آوارگی را در جهان اسلام به بار آورده است. مردم منطقه خاورمیانه، به جای هوای تازه آزادی، دود آتش و باروت را

تنفس می‌کنند و به جای اعمال حقوق بشر، شاهد از دست دادن فرزندان و عزیزان خود هستند. با حضور تمدن غرب در جهان اسلام، جوی خون جاری است و هر روز بر شدت تنش‌ها افزوده می‌شود.



منابع

قرآن کریم.

۱. آشوری، داریوش، ۱۳۸۷، *دانشنامه سیاسی*، چ ۱۶، تهران، انتشارات مروارید.
۲. چامسکی، نوآم، ۱۳۹۰، *همان که ما می‌گوییم*، ترجمه رضا قشلاقی، تهران، خرسندی.
۳. حافظ‌نیا، محمدرضا، سیدهادی زرقانی، ۱۳۹۱، *چالش‌های ژئوپلیتیکی هم‌گرایی در جهان اسلام*، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۸۰.
۴. حسینی مقدم، محمد، مریم صنیع اجلال، ۱۳۹۱، *هم‌گرایی جهان اسلام و آینده تمدن اسلامی*، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره سوم.
۵. درکشیده، کیومرث، ۱۳۷۴، *دوران مشروعیت‌زدایی و رهبری جهانی آمریکا و استراتژی مهار دوجانبه*، فرهنگ توسعه، سال چهارم، شماره ۱۸، بهمن و اسفند.
۶. دوورژه، موریس، ۱۳۷۹، *اصول علم سیاست*، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران، نشر دادگستر.
۷. زمنی، سامی، کریستوفر پارکر، ۱۳۸۶، *هنوز نه: اسلام، اتحادیه اروپا و چالش‌های فرهنگ‌گرایی*، ترجمه علی صباغی، خردنامه همشهری، شماره ۲۱-۲۴-۲۶.
۸. شرابی، نظام، ۱۳۷۵، *آمریکا و اعراب*، ترجمه عباس عرب، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۹. شرابی، هشام، ۱۳۶۸، *روشن‌فکران عرب و غرب*، ترجمه عبدالرحمان عالم، تهران، وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
۱۰. شلتوت، محمود، ۱۴۱۰، *الاسلام عقیده و شریعه*، قاهره، دار الشروق.
۱۱. صادقی، علی، سیدمحمدجواد شوشتری، ۱۳۸۹، *هم‌گرایی کشورهای اسلامی، چالش‌ها و راهکارها*، چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافی‌دانان جهان اسلام، زاهدان، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۱۲. صادقی، محمدمهدی، ۱۳۹۴، *نقش جریان‌های تکفیری در روابط خارجی کشورهای اسلامی*، پیام هادی، فصلنامه علمی - فرهنگی - اجتماعی، سال دوم، شماره ششم، پاییز.
۱۳. کاظمی، علی اصغر، ۱۳۷۸، *روابط بین‌الملل در تئوری و عمل*، تهران، نشر قومس.
۱۴. کسینجر، هنری، ۱۳۸۰، *خاورمیانه، جهانی دستخوش تحول*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، سال شانزدهم، شماره ۱۶۹-۱۷۰، مهر و آبان.
۱۵. مجیدی، محمدرضا، محمدمهدی صادقی، ۱۳۹۳، *اسلام‌هراسی غربی*، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
۱۶. مدرسی چهاردهی، مرتضی، ۱۳۴۷، *سیدجمال‌الدین و اندیشه‌های او*، چ ۳، کتاب‌های پرستو.
۱۷. موثقی، سیداحمد، ۱۳۷۸، *علل و عوامل ضعف و انحطاط مسلمین در اندیشه سیاسی و آرای اصلاحی سیدجمال‌الدین اسدآبادی*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۸. مهربانی‌فر، حسین، سیدمحمد مهدی خلیل‌زاده، ۱۳۹۱، *شبکه‌های ماهواره‌ای؛ نگاهی به ابعاد فرهنگی و حقوقی*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۹. هانتینگتون، ساموئل، ۱۳۸۰، *تمدن‌ها و بازسازی نظام جهانی*، ترجمه مینو احمد سرتیپ، تهران، کتاب‌سرا.

۲۰. _____، ۱۳۸۱، نظریه برخورد تمدن‌ها: هانتینگتون و منتقدانش، ج ۳، ترجمه و ویرایش مجتبی امیری وحید، تهران، وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات.
۲۱. الهی، همایون، ۱۳۶۷ ش، امپریالیسم و عقب ماندگی، تهران، انتشارات مؤسسه اطلاعات.
5. 1967: Israel ends six-day war, BBC On This Day
 6. British Occupation and Mandate, 1918-1932
 7. Free Kurdistan (Kurdistan, an ideal ally of US and Israel in the Middle East)
 8. <http://rasinfo.blogfa.com/post-81.aspx>.
 9. <http://www.iranamerica.com>.
 10. <http://www.payeshtv1.ir>.
 11. Martin indyk, Symposium on dual containment: US Policy towards Iran and Igaq, Middle East Policy, 1994.
 12. New Jersey mulls banning Iran investments". Associated Press. 14 June 2007.
 13. Pike, John (21 May 2004). "Kurdistan Workers' Party (PKK)". Federation of American Scientists. Retrieved 23 July 2008
 14. Special Report: Clinton administration policy toward the Middle East. Policy Watch, The Washington Institute for Near East policy, 21 May 1993.
 15. The Ahwazi Democratic Popular Front – Home
 16. www.runnymedetrust.org.
 17. Zbigniew Berzeziski, Weak Ramparts of the Permissive West, New Perspectives Quarterly, Vol. 10, No 3, Summer 1993.

Political Implications of the Theory of the Clash of Civilizations on the Divergence of the Islamic World¹

Mohammad Ali Mir Ali²

Mohammad Mehdi Sadeghi³

Abstract

The theory of the clash of civilizations came from Huntington after the collapse of the Soviet Union at the end of the Cold War. It came up with the emergence of a new challenge in US foreign policy to fill the ideological vacuum in the Western world. Huntington has considered the civilizations of Islam and Sinic to be the most important rivals of Western civilization, and believes that Islamic civilization threatens the existence of the West more than every approach. The authors of this research, using analytical and documentary methods, seek to analyze the political effects of the theory of the clash of civilizations on the divergence of the Islamic world and its solutions. The main effects of this theory on the divergence of the Islamic world were Islamophobia, the political affiliation of the Islamic world to the West, the creation of differences between Muslims, and the creation of political tensions in the Muslim world which have led to a new political bloc, a confrontation between Islamic countries, and the prevalence of terrorism and pro-war wars. The solution to this situation is political convergence in the Islamic world, the exclusion of Islamic countries from political differences, and the move towards the establishment of an alliance of Islamic countries.

Keywords: Civilization, Huntington, Theory of Clash of Civilizations, Divergence, Islamic World.

1. Received: 2018/01/17 Accepted: 2018/02/08

2. Associate Professor of Political Science, Al-Mustafa Al-Alamiyeh; alimir124@gmail.com

3. Graduate of Political Science, Al-Mustafa University; sada_sarab@yahoo.com